

## ادب شوروی

در نخستین کنگره نویسنده‌گان شوروی در سال ۱۹۳۴ موضوع (تم) در ادب شوروی چنین گفت: «ما برای پهلوان کتابهای خود باید کار را برگزینیم یعنی انسان تشکیل شده بوسیله کار که مجهز بنیروی تکنیک نو باشد، انسانی که بنوبه خود کار را متشکل کند و آن را قدم بقدم آسان تر و ثمر بخش تر بسازد و کار را بمقام هنر ترقی بدهد. ما باید بان درجه برسیم که کار را یک قسم آفرینش بدانیم.»

این سخن گورکی فرمول ادب شوروی شمرده میشود. بموجب این فرمول موضوع ادب شوروی «انسان خلاق» است. یعنی انسان کوشنده برای بهبود زندگانی، انسان رو پیش و متجدد. این فرمول دستور کار نویسنده شوروی است. موضوعی که نویسنده شوروی رمان نویس و شاعر و درام نویس، برای نوشته خود میجوید انسان خلاق و مبارز است: کارگران کارخانه، زارع کالخوز، معلم مدرسه، دانشمند در آزمایشگاه و امثال اینها.

تحولات بزرگی که در دوران حکومت شوروی در این کشور بظهور رسیده همه برای نویسنده شوروی پر از موضوعهای قابل مطالعه و نوشتن بوده است.

نخست جنگهای انقلابی و خانگی کشور، پس از آن نقشه‌های پنجساله و تأسیسات صنعتی و زراعتی، سپس جنگ میهنی بزرگ و پس از آن شروع مجدد مردم بکار صلح آمیز و ترمیم خرابی‌های جنگ و مخصوصاً کارهای کمونیستی بزرگ اخیر از ساختن ترعه‌ها و سد های عظیم و متصل کردن دریاها بهم. اینها برای ادبی که بایستی بامبارزه مردم قدم بقدم حرکت کند و همیشه با آن مربوط باشد، موضوعات کمی نبوده است. در این چند ساله پس از جنگ ادب شوروی مقدار زیادی شاهکار بوجود آورده است که همه از تلاش مردم زحمتکش صلح دوست در کارخانه و مزرعه الهام گرفته و مناظر این زندگانی را وصف کرده است، از قبیل کتاب خوشبختی و کتاب آفتاب در دشت نگارش پاولنکو،

دور از مسکو بقلم آژایف، شوائیه ستاره زرین بقلم بابایفسکی، از صمیم دل تألیف مالتسف، دهکده شناور بقلم زا کروتکین، سیلابها از کاژیونیکوف و بسیاری کتابهای دیگر.

یک وقتی گورکی نوشته بود که «شعرا هنوز انسان را بمبارزه با طبیعت و غلبه بر آن هیچ دعوت نکرده اند. گویندگان بانکه بر ضد زور گویان دویا بخود اجازه تو بیخ کردن میدهند، اما درباره این زور گوی گور (طبیعت - ف.) چیزی نمیکویند، مقصودم آن است که باید درباره موقف شعر در قبال طبیعت تجدید نظر بشود».

اکنون ادب شوروی این تجدید نظر را بهمه دارد چه مردم این کشور مبارزه با طبیعت را وجهه همت خود قرا داده اند.

موضوع ادب شوروی در حقیقت حماسه انسان و زندگانی است و بدینجهت جنبه رمانی و غزلی آن زیاد است. تصویر کارگر، تصویر انسان خلاق است دارای عشق بزندگی و زیباییهای آن، عشق بصلح و برادری جهانی، عشق باصلاح طبیعت و فداکاری در راه سعادت بشر. برای نویسنده شوروی سرگذشت کارخانه و کارگر سرگذشت گسترش و تکامل روح بشری است که بسوی آفاق بیکران خلاقیت قدم بقدم پیش میرود. این است رمانتیسیم ادب شوروی که باید شرماتیسیم کار را بقول یرمیلوف نویسنده روسی - رمانتیسیم انقلابی نامید.

این رمانتیسیم البته بارمانتیسیم صوفیانه و بیماری که در ادبیات سرمایه داری هست بسیار فرق دارد. آن پرسناژهای دیوانه و هار و روانهای خراب شده که نویسندگان کشور های سرمایه داری جز آن چیزی نمی پسندند برای نویسنده شوروی بکلی نفرت انگیز است. در ادب شوروی هم «تمهای» عشقی هست اما خیلی طبیعی و بهمان اندازه ای که واقعاً در زندگانی هست اما عشقی که کارش بجنون و جنایت بکشد نیست. در این ادب «تیپ منفی» هم وجود دارد زیرا هنوز در جامعه شوروی اشخاص کندیروی هستند که اثر تربیتهای قدیم در روحشان باقی است و تصور آرمانهای بزرگ اجتماعی برایشان دشوار است. نویسنده رالیست شوروی این تیپها را هم می نویسد و باین موضوع اهمیت زیادی میدهد برای آنکه زندگانی در میان همین تضادها و کشاکشهای میان کهنه و نو است که پیش میرود، بنابراین باید منفی و مثبت را پهلوئی هم گذاشت تا تفاوت میان کهنه و نو نمایان بشود و خواننده بدرک آن چیزی که انسان نو نباید چنان باشد توجه پیدا کند. ولی در ادب ارتجاعی تیپ منفی را بعنوان انسان اصلی نشان میدهند زیرا جنبه بهیمی انسان را اصل انسان میدانند.

دیگر از موضوعهای ادب شوروی موضوعهای تاریخی است. رمان تاریخی در ادب روسی سابقه قابل ملاحظه ای دارد. نوشته های پوشکین و گوگول و تالستوی در این نوع معروف دنیا است و مخصوصاً کتاب « جنگ و صلح » تالستوی یکی از بهترین رمانهای تاریخی بشمار میرود. در عصر شوروی نیز رمان تاریخی بدنباله این میراث قدیم نشو و نمایافته و هم اکنون مقداری نوشته های خوب از این نوع در ادب شوروی وجود دارد، از جمله نوشته های آلکسی تالستوی از ذخایر ادب روس جدید است. در این نوع ادبی هم روش نویسنده شوروی بکلی تازه است. نویسنده امروز پرورده مکتب مارکس و لنین است و روابط انسان و تاریخ را با قوانین این فلسفه تجزیه و تحلیل میکند. بموجب این فلسفه « تعولات هر جامعه یی عمل و اثر تولیدگران محصولات مادی آن جامعه است و بنا بر این تاریخ عبارت است از سرگذشت توده های زحمتکش ». این اصل مبدع مسلم نویسنده شوروی است در رمان تاریخی، و بدین جهت موضوع اصلی رمان تاریخی شوروی عبارت است از جنبش توده ها و پیدایش تعولها و انقلابها و بدین جهت رمان تاریخی را نویسندگان شوروی « حماسه خلق » میخوانند. از رمانهای تاریخی که در این چند سال آخر منتشر شده است بدگر چند کتاب مهمتراکتفا میکنم.

**شاره ها نگارش سوکولف راجع بوقایع انقلابی ۱۹۰۵ در روسیه**  
**استروگنوها** بقلم مارکف راجع بمردم سبیری در اواخر سده ۱۹ و ظهور انقلاب اکبر و جنگهای داخلی، استپان رازین بقلم زلوبین راجع بشورش دهقانان در نیمه قرن ۱۷ در روسیه. این کتاب در شوروی فوق العاده شهرت گرفته و به دریافت جایزه هم موفق شده است. اهمیت این کتاب در آن است که مؤلف بواسطه مطالعه منابع و اسناد معلومات فراوان راجع بآن عصر را جمع کرده و اوضاع و احوال را بسیار زنده و همه رنگ نوشته است، دیگر آنکه اساس فلسفی کتاب بسیار عمیق است یعنی در تحلیل وقایع نویسنده اصول مارکسیسم را بدقت تطبیق کرده است.

در رمانهای تاریخی شوروی کتابهایی هست راجع بکشورهای خارجی مانند نوشته های ارنورک و آلکساندر فدین، که اولی در باره فرانسه و دومی درباره آلمان تخصص کامل دارند، رمانهایی برای تشریح وضع سیاسی و اجتماعی این کشورها در عصر اخیر نوشته اند که بسیار معروف است از جمله کتاب « سقوط پاریس » ارنورک.

بخش مهم دیگری در ادب شوروی بخش « ادبیات برای کودکان » است که حکومت شوروی هم از آغاز استقرار خود بدان اهتمام داشته است.

یکی از کارهای گورکی نیز در موقع شروع با اصلاحات، موضوع ادب برای کودکان بوده است. در آموزشگاه ادبی موسوم به انستیتوی گورکی - که پیش از این ذکرش گذشت - شعبه خاصی برای این رشته هست که در آنجا نویسندگان این فن آموزش و پرورش میگیرند و هر چند گاه يك بار هم کنفرانس عمومی مرکب از همه کشور برای رسیدگی بوضع حاضر و تهیه اصلاحات لازم تشکیل میشود. بنگاههای مخصوصی است برای چاپ و نشر کتابهای کودکان و از جمله بنگاه موسوم به « دنگیز » در مسکو که خیلی مکمل است. تنها در سال ۱۹۵۱ دوهزار کتاب تازه برای کودکان منتشر شده که برخی از آنها جایزه استالینی گرفته اند. اکنون تعداد نویسندگانی که در این رشته کار میکنند زیاد است. در آخرین کنفرانس ادبیات کودکان که سال گذشته در مسکو تشکیل شد ۸۵۰ نفر شرکت داشتند، از نویسندگان و علمای آموزش و پرورش، مدیران مجلات و روزنامه های کودکان، مدیران چاپخانه ها نمایندگان وزارت فرهنگ و بالاخره میهمانان کنفرانس. چهل تن از خبره ترین استادان این رشته در سه روزی که کنفرانس بر پا بود سخنرانی کردند و نتیجه بحث آن شد که ادبیات کودکان شوروی مدتی گذشته روبرقی داشته است اما سیر زندگانی هم افزون تند شده است و ادب که باید همگام با زندگانی حرکت کند و همواره در پی نو باشد ناچار باید خواسته های تازه را در نظر بگیرد، نویسندگان باید راههای تازه یی پیدا کنند که مسائل زندگانی سوسیالیستی و مخصوصاً علم نو را در دسترس فهم کودکان بگذارند. ادبیات کودکان فرمهای متعدد دارد: رمان، قصه، رمان تاریخی، شعر، تئاتر، فکاهیات. هدف این ادب تربیت سوسیالیستی است: کار و صلح. در ادب کودکان شوروی از قصه های جنابیی و پلیسی و زدن و کشتن که در مجله کودکان امریکایی ( کمیکسها ) معمول است خبری نیست. تیراژ کتابهای بچه گانه خیلی زیاد است. بعضی از این کتابها بزبانهای خارجی هم ترجمه میشود. چند تن از نویسندگان معروف این بخش عبارتند از **گایدار**، **چو کوفسکی**، **میخالکوف**، **نسوف**، **مارشاک**، **کاتایف**. از این دو نویسنده اخیر آثاری بفارسی هم ترجمه شده است.

یکی از مسائل مهم ادب، مخصوصاً ادب کودکان، مسئله سبک و زبان است. شورویها در باره زبان و بطور کلی در باره شکل هنر باید گفت کلاسیک هستند. در هنر شوروی، از نقاشی و مجسمه سازی و موسیقی و غیره، مکتبهای انحرافی یا انحطاطی ( decadent ) وجود ندارد، در نظر شورویها ادائیسیم، سور رئالیسم و امثال آنها خروج بر آلیسم و طغیان بر عقل سلیم محسوب میشود. در زبان نیز باعتدال و سلامت و پاک و درستی لفظ علاقه دارند و زبان پوشکین و تالستوی را نمونه بلاغت و سرمشق نویسندگانی میدانند.

استاتید ادب شوروی همیشه نوخاستگان را بمطالعه دقیق کلاسیک رهبری میکنند و این را بهترین ضامن ترقی در زبان می‌شمارند. ولی باید این نکته را در نظر داشت که زبان کلاسیک های شوروی زبان کهنه و از استعمال افتاده بی نیست چنانکه در مورد کلاسیکهای ادبیات دیگر اینطور است، زبان پوشکین و تالستوی هم از آغاز زبان زنده و زبان محاوره مردم بوده است و امروز نیز چنان است بطوریکه میتوان گفت در کمتر زبانی، بقدر زبان روسی، محاوره و نوشتن بهم نزدیک شده است. بنابراین طرفداری نویسنده شوروی از اسلوب کلاسیک درست بمعنی طرفداری از زبان زنده و سالم مردم است و از باب کهنه پرستی نیست و مخصوصاً استعمال لغات و ترکیبات کهنه و شکسته نزد ادبای شوروی نارواست. حتی در زمان تاریخی که گاهی بواسطه موضوع، استعمال لغت کهنه بی مناسبیت پیدا میکند ولی در اینجا هم مقیدند که از حد ضرورت تجاوز نکنند. بخش مهم دیگری از ادب روزنامه‌یی (ژورنالیسم) و ملحقات آن است. بسیاری از نویسندگان شوروی حرفه خود را از روزنامه نویسی آغاز کرده اند، از این جمله است ایلیا ارنفوک که علاوه بر رمان نویسی یک ژورنالیست بزرگ بشمار میرود. در قسمت «رپورتاژ» که اخیراً بر اثر توسعه کارهای بزرگ ساختمانی خیلی توسعه یافته است عده بی شهرت زیاد پیدا کرده اند از جمله **باریس پالیهووی** که رپورتاژهایش را حتی در خارج کشور شوروی با شوق و علاقه بسیار میخوانند، مخصوصاً کتاب «بروی جاده بزرگ» او را که بهمه زبانهای بزرگ اروپائی ترجمه شده و الحق بسیار خواندنی است. یکی از کتابهای خوب این رشته بعقیده من کتاب «سپیده دم کارهای بزرگ» است بقلم گالاکتیونف و آگرافسکی. این دو نفر که یکی مهندس زمین شناسی و دیگری روزنامه نویس است بشرکت یکدیگر این کتاب را راجع بکارهای ساختمان مرکز برق آبی استالینگراد نوشته اند و باز بانی ساده و دلکش تابلوهایی از زندگانی و روحیه کارگران آن دستگاه نقش کرده اند که بسیار جذاب و باصطلاح «تی پیک» است. خلاصه آنست که ادب شوروی ادب کاروزندگی است، ادب خوشبختی و ایمان بانسان و آینده سعادت مند اوست. (لیریسیم) و جذبه رمانی بی که در زیر این مفهوم بزرگ یعنی انسان و حیات نهفته است کم نیست. نویسنده هنرمند در شوروی کسی است که این مایه را در یک قالب هنری زیبا نشان بدهد. این قالب هنری چیست و چگونه ساخته میشود، خود مبحث جدا گانه و مفصلی است که البته مقاله جدا گانه بی میخواند. چیزهای خواندنی در ادب شوروی فراوان است و بعقیده من برای هر ادب دوست یا ادب شناس (محقق ادبیات) خواندن این ادب که تپ تازه بی در ادب جهانی محسوب میشود، لازم و سودمند است.

## گ. گ. ریازسکی

گئورگی گئورگیویچ ریازسکی که لقب رجل شایسته هنر جمهوری شوروی سوسیالیستی فدراتیور روسیه و سمت عضو وابسته فرهنگستان هنری ا.ج. ش.س را دارا میباشد بسال ۱۸۹۵ در دهکده ایگناتیو-شهرستان مسکو-پا برصه وجود گذاشت. وی در عنفوان جوانی ناچار برای امرار معاش کار

کرد و نخست به پادوی و سپس بسمت کارمندی در بانک بازرگانی روس اشتغال ورزید. ریازسکی در کلاسهای کارگری آن زمان بتحصیل پرداخت و معلومات عمومی را فرا گرفت و به نقاشی و مجسمه سازی نیز مشغول شد. ولی فقط بعد از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر نقاش حرفه ای شد. در سال ۱۹۱۸ در آتلیه های عالی نقاشی و فنی دولتی به تکمیل فن خویش مبادرت ورزید و از سال ۱۹۱۹ تا سال ۱۹۲۱ با گروهی از نقاشان جوان در شهر سامارا مشغول کار بود و یک



ریازسکی

سلسله تابلوهای تبلیغاتی بوجود آورد و به تزئین و نقاشی باشگاه ارتش سرخ مشغول شد. ریازسکی در سال ۱۹۲۱ بمسکو بازگشت و به تحصیل ادامه داد و در نمایشگاههای «انجمن نوین نقاشان» و «جمعیت نقاشان روسیه انقلابی» شرکت جست.

ریازسکی همواره با فعالیت تمام در زندگی اجتماعی کشور شرکت میکرد و برای تابلوهای خویش از حیات عمومی کسب موضوع مینمود. وی یکی از نخستین کسانی بود که سیمای زن شوروی - زن دوران نوین مبارزه - را در تابلوهای «زن نماینده» و «رئیس» درک و رسم نمود. وی در بکه صورتهای «دختر آبی پوش» و «دیو کانو» و غیره خصوصیات